



بازجوي از آنگاهي که علي دولت قديمي فرزند خود را

آنگاه دولت سرزنگنه و در تمام وقت در مشيد ما درين مدام بر اسوال پنج ميگردند و ميگويند که بخدا اين  
 چنانکه من در اين احوال ميديارم که رخصت گشت و آنرا صبح و شام به خانه بيات آن لهرود و قضا با برکت باشند  
 بعد از آنکه در وقت بکريم با شتر در تمام ايت به ايت ۱۲ هزار برگشتند و البته که ما شتر را در  
 شده بود و حرکت هم در گزير بتر خوردن است و علي توسط مسوول بود و در جرد افکار چون در گزي در  
 يكه در اطراف گزير در ۲۰ قسمه طل كشيده بود و لذا آنگاه زون پاگه و زاندر را صورت گرفت و هم به  
 چنگلاني نیز سوخت و آنرا در پايه در جاده لطف بالا رود اسلي كشي که از پا چنگل در است آمده بود لطف  
 بالا رود آمده بود از آنکه فقط مسوول لطف من آمده که بگويد من در انده را آزاد استم در اين وقت خدمت  
 دهندي مسوول سرور شده بود آنرا آزاد استم کرده و ليگي نه گشته در راهي است که زون گشته و در شتر  
 برکت و ما با سوخت فرجه گرا جدا زدیم و او نیز با آمد ما با مسوول رودی کرده و از انده آنرا را در آنگاه جدا استم نمود  
 خداستیم چون صبح کلاچ الوصل سوخته بود مسوول حدوتان به مانده داد و از آنجا صفا فطی کردیم و با لطف  
 جان در جنگل نیز در آنکه که بیلوی کرله که عمر در آن است که در یک جنگل کشته سنگی منقل کرد و در وقت بود  
 رستم طلق فرار قبیله مسطی و جوار برده بود ۵۰ تنگ و یک مسلسل را در لای کشته سنگی نیز کشته و جوار کشته و گرا  
 کلاش بودیم تا با خود ما ببریم و قبیله ما با ما رسیدیم آنرا هم برکت داشتیم خودیم که در این طرف را هم در جوار کشته بود  
 کرله علی را هم مسوول برکت گرفت و آنرا بعد از آنکه در این یک را در جوار آورد مسوول لطف  
 در جنگل یعنی لطف کا کوه حرکت کردیم. آنگاه از راه دزدیهای جوار راه پیویم و در راه حرکت کردیم و چنان  
 ما دیدیم، فردا در آنروز لطف سوخته خود کا کوه حرکت کردیم ش زنگش با بعد از نیم وقت در بالای کوه چاد زدیم و صبح فردا  
 جوار ما را برای شترهای جوار، بدن به کوه گشتی رفتند و زنگش در عصر زنگش در جوار کلاش و چنان فرار در روز در  
 در آن کلاش ما دیدیم و فرار شدند از آنجا حرکت کرده و نیمه شب به آنجا خانه آنگاه رسیدیم و بعد از آنکه رفتند  
 در آنجا زنگش آمدند لطف کا کوه حرکت کردیم زنگش در جوار صبح در آنجا از راه ما دیدیم و صبح حاضر در لطف جوار حرکت کردیم  
 و چون زنگش بر گرا در آنجا پیون کردیم و در عصر در کلاش ما دیدیم و لطف پلا در وقت حرکت کردیم و در آنجا رسیدیم  
 پس از آنکه در وقت در آنجا زنگش لطف کا کوه حرکت کردیم و در زنگش یعنی با یک شتر غذای صبح به آنجا حرکت کردیم که

۱۱۲  
 ۵/۲۲۲-۲۷



عزرا

بازجویی از آقای فریدون فرزند زور حسن

صبر و استقامت (از حلال آمل انجمن) - غرب زدگی (از حلال آمل انجمن) - مؤسسه واکم (از انجمن آشنایان یک) -  
 دانشنامه‌های ملک اردن (دانشگاه معاش - آوازی و عشق بزرنگی) - هدف ادبیات - حسن  
 (از اسکیم گورکی) - زنگار صفای حدیث (به قطره خون - بوف کور - حلقه خام و دلققای) - اسرار (نویسنده)  
 مهری اخوان (کتاب) - امید - و اعتراف ملو (الف - با دادا - میاوش کسرانی و فرغ و خواد -  
 لبه - با آس باد و ستم عباس دانش بهاری و ایرج صافی شروع به مطالعه است تا کرسی کوریم و کسب که در این زمینه  
 مخاطب است مطالعه میجویم عبارت بود از: اسکیم گورکی (از دکتر تقی لاری) - اسرار (از دکتر تقی لاری)  
 (از دکتر تقی لاری) - اصول معنای فلسفه (از دکتر پلیدی سر) - اصول علم اقتصاد (از دکتر عبدالمجید زین)  
 کسر درستان (گزیده پیش) (از وزارت رسال - از رینا سور) - مادر (از اسکیم گورکی) که من آنرا خواندم  
 و وقت به پرتو (از دکتر تقی لاری) این وضع گاه در یک باره را تا نیمه بکشد یعنی که از نیمه مبارزه با مایه است و در وقت که کسب  
 طولانی در تفریح و گورکای به در کافه و غیره و با گردن رفتن با میجویم و سبزه های مبارزه را بر سر میجویم  
 به مبارزه مسلحانه معتقد گردیده بودیم و هیچگاه با آن موضوع و تا بعد از زندگی از آن لیده میسختیم و این مورد را میگویم  
 که چگونه میتوان شروع کرد و از کجا باید شروع کرد هیچ موضوع نمی توانستیم بدون سوالات باطنی در هم تا اسکیم در آن کتابی  
 عباس دانش بهاری آنطور که بعد از من فهمیدم با حرکت از کسب ایرج صافی و این نظریه ها که به راجع به مورد و قضایه  
 با حرکت کرده که خود او در آن محضیت داشت صحبت کرد و پس از اسکیم انشاء و باطنی گفت که نسبت به گورکای  
 جدید قرار شد که تا بتوانیم بگردیم با هم به گروه زورناشیم و البته ما که اسکیم که این فکر آبی با یک بهار میبرد  
 البته متوجه شدیم که ما در آن که همواره در حالیم که هر دو همون زمانیم تا پس بگردیم صرف خود را در گردن چون اطلاعات  
 داریم با توجه با اسکیم با تمام هم و چاره داریم بودم که تا خوب بود و خود را در کورطین در بار صورت گرفت  
 یکبار در کتابی که عباس دانش بهاری است که بود و حدود ۲۰۰ - ۳۰۰ بهارکان و یکبار هم در آن روش قرار شد با عباس  
 (شخصی که بسیار ملاحظاتی که قبلاً در این راه در طرف جدا گانه با عباس دانش بهاری گذشت بودیم تا چشم به انبار کرد  
 شدیم



تعمیر

مصابحه با

بازجوئی از آقای محمد علی مستوفی و زنده محمد حسین

گذر این زیم صورت گرفت که تعداد این وضع حدوداً آخر آذرماه سنه که تعداد از بوسه را می برداشته  
 و تعداد دیگری را ابرج صادر کرده بود. بزرگم به نوبه ششم به طرف جابلوس که الله با هر هفتی خوش کرد  
 که توسط عباس آینه شده بود و قبل از رسیدن به جابلوس یک خانه که پیچیدیم و من و عباس در نقطه مسین  
 زینجا که را ششم و ابرج ما میزند در آن اوسیل بود. دیگر کسی که من برای این گروه انجام دادم خرید ۹ عدد  
 کسبه داروی انفرادی بود که با خرج خودم داروی افرادی لازم ماند بجا اگر کسی بود در این مسین و در این  
 (پودر P.S) - غیره شش کنی - باریک کنی - چند عدد شش باریک برای حرکت - و غیره (شش ششم)  
 و غیره و غیره - اگر کسی بود - باز در حرکت زانها فرستادم - بعد از آن که توسط عباس  
 گروه که پیوستم حدود ۲ ماه همراه آنها در زمانه ماندن حرکت داشتیم در زمانه آن زمانه به گیلان آمیم  
 و گیلانی هم به یکا ۹ از دریا و جنگلانی ساجکل پنجم که آن زمانه من ما بود است از سفرین در آنده  
 مسین بوسه مورد اشاره برای بنام بودم که در زمانه هم نیز همانطور که در باره نوبتهای قبلی گفتم پس از جمله سردی  
 نظامی در نقطه کا که با در زمان ابتدا سوار گشتم و پس از آن سحر روزگاری در حالیکه یک روز تمام اشکال قسم دوم  
 توسط ما مسین نظامی و بی هیچ بر خور کار خود توسط آنها دستگیریم

ج ۲ - در حالتی که اگر بخواهیم مطالب فالت اطلاق کردیم که گفتم در مطالب که در مسین با در ششم عباس  
 دانش ابرج و ابرج صافی حکما در ششم ام و در گروه که همان استیفا من زیر این ششم - منوچهر جوان ری - جوادی  
 محمد رضا غنچه ری - علی - بهمن - سکا - احمدی - مصطفی حسین زاده - بهرامی (عباس دانش ابرج) - آرش  
 (ابرج صافی) که قبل از رسیدن من به زمانه کوهستان معقد شده بود و از نزدیکان و کامی اطلاعاتم) و از گروه راط  
 عباس و محمود و در جمله به یکا <sup>و از دریا</sup> ساجکل ۵ نفر (منوچهر - جوادی - علی - بهرامی - سکا) و در جمله به یکا <sup>و از دریا</sup> ساجکل  
 که صورت گرفت (مصطفی و بهمن) حرکت داشتند و من نیز همانطور که گفتم ما مورد مراتب مسافرت در آنده بودم که  
 پس از آنکه عملیات آنک در زمانه سلامت و با عذرهای در دریا که افرادان لطیف بودندشان داشته که نیز دیگر

تعمیر